

پیرامون دو دوزه بازی حکک در مورد تحریم ایران

" حزب کمونیست کارگری " بمثابه جریانای بحران زده و رکورد دار انشعاب که تاکنون حداقل سه و چهار تا سکتة ناقص زده و بحالت نیمه مفلوج به حیات خود ادامه می دهد ، اخیراً توسط " لیدر " جناح انشقاقی اش تحریم امپریالیسم آمریکا علیه ایران را ریاکارانه، دوپهلوی و شترمرغ مآبانه امری در " مخالفت " منافع مردم ارزیابی نموده است .

اخیراً در نشریه شماره یک " یک دنیای بهتر " فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری مورخ 4 ژانویه 2007 ، آقای علی جوادی " لیدر " جدید، خالی بند حرفه ای که دست هخای سلطنت طلبان را از پشت بسته است، در مقاله ای تحت نام " بسوی آینده تاریک ! " پیرامون تحریم ایران توسط سازمان ملل چنین می گوید :

" مفاد قطعنامه تصویب شده سازمان ملل در حال حاضر جامعه ، اقتصاد و نیازمندیهای زندگی مردم را نشانه نگرفته(ولی بعداً خواهد گرفت)- زیرا که با محروم گشتن ایران از دسترسی به انرژی هسته ای، در آینده جهت تهیه آن از دول امپریالیستی باید احکام و قوانین استعماری آنان را پذیرفت) است . اما دریچه ای است بسوی اعمال تحریم های اقتصادی گسترده که اکنون گشوده شده است . تحریم اقتصادی یک سیاست ضد انسانی است (بر منکرش لغنت). ضد اجتماع و ضد مردم است . قربانیان آن اساساً مردم عادی هستند . دامنه و ابعاد فقر و فلاکت گسترده مردم را تشدید خواهد کرد (قریبون هرچه آدم چیز فهم) . باید جلوی این اقدام علیه مردم زحمتکش و فقر زده گرفته شود . کارنامه خونین تحریم اقتصادی عراق در برابر ماست . ماهانه 3000 کشته ! تحریم اقتصادی خود یک سلاح کشتار جمعی است . مقابله با تلاش رژیم اسلامی برای دستیابی به سلاح کشتار دسته جمعی با توسل به یک سلاح کشتار دسته جمعی دیگر یک سیاست تهوع آور(که با سیاست پیشنهادی حکک مبنی بر؛ برسمیت نشناختن رژیم در مجامع جهانی که معنی آن تاکید هرچه بیشتر بر امر تحریم می باشد ، این سیاست تهوع آور را با اجازه هواداران نوش جان خواهند کرد) و مشمزز کننده است."

(پایان نقل قول- تاکید و توضیحات داخل پرانتز از ادیب است)

خواننده گرامی ممکن است بگوید نکات مطرح گشته در نقل قول ذکر شده نکات درستی است، پس ایرادش در کجاست ؟ ایراد در اینجاست سر دبیر نشریه آقای سیاوش دانشور، که چون مصطفی صابر نقش معاون علی جوادی را ایفا می کند در همان شماره در مقاله ای بنام " یاد داشت هفته " در باره تحریم ابتدا چون جوادی چنین می گوید :

" ما همیشه مخالف سر سخت سیاست تحریم اقتصادی بودیم که بهای تاثیرات ویرانگر آن را نه دولت های سرکوبگر بلکه مردم عادی می پردازند . سیاست تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار جمعی علیه مردم است که فقط جیب سرمایه داران را پر تر می کند و در خدمت انقیاد سیاسی بیشتر جامعه و تحکیم دولتهایی چون رژیم اسلامی عمل می کند(امر درستی که مورد توافق هر انسان شرافتمندی می باشد- ادیب) . "

و سپس در در دفاع از منافع آمریکا چنین بیان میکند :

" ما همیشه خواهان برسمیت نشناختن رژیم جمهوری اسلامی در جامع جهانی و نهادهای بین المللی بعنوان " دولت ایران " بودیم و امروز باید بیش از هر زمان به این سیاست پای بشاریم " (پایان نقل قول)

در واقع آنچه را " لیدر " جدید آقای علی جوادی سعی در پنهان کردنش را داشت، ایشان کاملاً و بعنوان تکمیل کننده بیانات " لیدر "، بیان داشتند. " اخراج رژیم ایران از مجامع جهانی و نهادهای بین المللی "، آنهم از سازمانی (سازمان ملل) که همواره بمتاباه اهرم سیاسی سیاستهای استعماری دول امپریالیستی و بویژه آمریکا علیه بشریت بکار رفته است، آن الترناتیوی است که جناح فراکسیون و کلاً حکک خواهان آن می باشد.

ترجمه فارسی دری گفته های " لیدر " جدید و کلاً حکک چنین است؛ تحریم امری ضد انسانی و جنایت علیه بشریت است، قربانیان آن مردم هستند و نه رژیم های ضد انسانی، پس باید محکوم گردد (امر کاملاً درست و انسانی)؛ ولی ما، حکک، با علم کردن سیاست " برسمیت نشناختن رژیم جمهوری اسلامی در مجامع جهانی " و بویژه در شرایط تحریم از طرف آمریکا در جریان دعوای انرژی هسته ای، بدین وسیله بر تحریم هر چه گسترده تر آن تاکید داریم و پا می فشاریم. تا از این طریق چون همیشه منافع آمریکا را از قلم نیندازیم. و همانطوری که بر اساس " سناریو سفید و سیاه " رهبر اعظم (منصور حکمت)، که آمریکا در جبهه "سناریو سفید" جا سازی شده، هرگز منافع او (آمریکا) را در هیچ شرایطی حتی اگر با شامورتی بازی هم که شده، خدانی نکرده فراموش نخواهیم نمود.

در واقع سیاست برسمیت نشناختن رژیم ایران از طرف مجامع بین المللی که نسخه تجویز شده از طرف حکک است، مکمل همان سیاست تحریم ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل می باشد که توسط امپریالیسم آمریکا دیکته گردیده است. بدیهی است قربانیان این هر دو سیاست مردم اند و نه رژیم جمهوری اسلامی ایران، و بر عکس هر دو سیاست در خدمت تحکیم پایه های رژیم است و بمتاباه گزکی قتاله در دست رژیم بر تن و بدن جنبش آزادیخواهان- حق طلبانه و عدالت جویانه مردم ایران فرو خواهد نشست، همانطوری که تا کنون چنین بوده است.

این امر در حالی است که اولاً؛ نسخه تجویزی سیاست برسمیت نشناختن رژیم ایران از طرف مجامع بین المللی به هیچ وجه مشخص نمی کند جایگزین رژیم مطرود را چه رژیمی خواهد گرفت و اصولاً این رژیم چرا باید از طرف نهادهای بین المللی و آنهم با حربه "بایکوت" سرنگون گردد، و نه از طریق انقلاب توسط مردم ایران.

ثانیاً؛ این نسخه "بایکوت" همان سیاست انقلابات مخملی نیست که آمریکا در اوکراین و صربستان یوگسلاوی سابق و ... پیاده کرد و رژیم های دست نشانده و مطلوب خویش را قدرمنشانه و ریاکانه به مردم آن دیار تحمیل و حقنه نمود؟!؛

ثالثاً؛ اگر قرار باشد با نسخه حکک، رژیم جایگزین توسط مجامع بین المللی انتخاب گردد، این رژیم چیزی به غیر از رژیم مطلوب و دست نشانده آمریکا خواهد بود؟!؛ سیاستی که حکک در لافه "بایکوت" رژیم ایران دنبال میکند و کوشش می نماید نیت دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا را در قالب "محکوم کردن تحریم رژیم ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل" بیوشاند.

در واقع این آن سیاستی است که حکک همواره بر اساس قرار داد تاریخی 1048 که وارونه گرایانه، صفت " دمکراتیک" را بجای تجاوزگر- نژاد پرست- ویرانگر- فاشیستی مذهبی و اشغالگر در مقابل دولتهای امپریالیستی- صهیونیستی آمریکا و اسرائیل قرار داده، دنبال نموده و دنبال خواهد کرد.

این حضرات تصور می کنند که با دسته کوران طرف هستند. از منظر حکک از آنجانبکه دعوای بین آمریکا و ایران، دعوائی بین " توحش " و " تمدن " قلمداد می گردد و با توجه به این نکته مهم که آمریکا و اسرائیل در جبهه " تمدن " قرار دارند و سازمان ملل گوش بفرمان قدرت بزرگتر است، بدیهی است محکوم کردن تحریم ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل توسط حکک چیزی جز آب در هاون کوبیدن معنی نخواهد داد و فقط برای رد گم کردن- دنبال نخود سیاه فرستادن و در نتیجه دفاع از " تمدن " آمریکائی ولیرالیسم بورژوازی ترجمه دیگری بر آن مترتب نخواهد بود.

بهمن ادیب 2007/01/11